



زلزله خوی، بی تفاوتی حاکمیت و اهمیت سازمان‌یابی توده‌ای

شنبه ۸ بهمن زلزله‌ای با بزرگی ۵/۹ ریشتر شهر خوی و اطرافش را لرزاند. مرکز زلزله شهر کوچک فیروزق و روستاهای اطراف آن از توابع شهرستان خوی بود. شهرستان خوی حدود ۴۵۰ هزار نفر جمعیت دارد. پیش از این در تاریخ ۱۳ مهرماه و ۲ دی‌ماه زلزله‌هایی با بزرگی ۵/۴ ریشتر رخ داده بود. وقوع زلزله‌های متعدد نتیجه فعال شدن گسل "خوی - سیه چشمه" بود و به همین دلیل نیز هشدارهای متعددی در مورد خطر وقوع مجدد زلزله با قدرت‌های بیشتر از سوی کارشناسان داده شده بود، اما جمهوری اسلامی گوش شنوایی برای این هشدارها نداشت و نتیجه این شد که از زلزله مهرماه تا زلزله اخیر، هیچ امکانی برای مردم فراهم نشد. مردمی که در سرما و بدون امکانات گرمایشی و غیره، قربانی بی‌تدبیری و بی‌مسئولیتی رژیم فاسد شده‌اند.

پس لرزه‌های زلزله ۸ بهمن تا چند روز به‌طور مرتب ادامه داشت و با توجه به خطر وقوع مجدد زلزله و ریزش خانه کسی قادر به بازگشت به خانه‌هایی با دیوارهای ترک خورده را نداشت. براساس آمارهایی که رسانه‌های حکومتی از قول مقامات جمهوری اسلامی منتشر کردند، در اثر زلزله متأسفانه ۳ نفر جان خود را از دست دادند و ۱۱۱۶ نفر نیز مصدوم شدند، اگرچه برخی از رسانه‌های منتشره در ایران تعداد کشته‌شدگان را ۸ نفر اعلام کردند. به‌گفته‌ی استاندار آذربایجان غربی ۶۰ نفر از مصدومین در بیمارستان خوی و ۶۴ نفر نیز در بیمارستان‌های ارومیه و سلماس بستری شدند. از این تعداد ۱۰ نفر به صورت اورژانس تحت عمل جراحی قرار گرفته و ۲۴ نفر به بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان منتقل شدند.

به نوشته‌ی رسانه‌های جمهوری اسلامی و براساس آمارهای ارائه شده از سوی مقامات

در صفحه ۲



در صفحه ۶

بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد نبرد حماسی سیاهکل و بنیان‌گذاری سازمان

در صفحه ۳

راهزنان حاکم دستبرد بزرگ دیگری را سازمان داده‌اند

درآمد حاصل از آن را نیز یکجا بالا بکشند و یا صرف بقای خویش و حکومت ننگین و پوسیده جمهوری اسلامی سازند.

ورشکستگی و معضلات بی‌شمار اقتصادی و مالی رژیم از نمونه بدهی کلان ۶۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت به سازمان تأمین اجتماعی و کسری بودجه که مبلغ آن هر سال زیادتیر شده و رئیس سازمان برنامه‌بودجه کسری بودجه سال

در صفحه ۱۲

جناح‌ها و باندهای غارتگر رژیم حاکم و در رأس آن باند خامنه‌ای، در غارت و چپاول اموال و دارایی‌های عمومی حدمرزی نمی‌شناسند و در ادامه دزدی‌ها و راهزنی‌های چند دهه تحت عنوان خصوصی‌سازی، اکنون دستبرد بزرگ دیگری را تحت عنوان "مولدسازی" تدارک دیده و مصمم‌اند باقی‌مانده ثروت‌های عمومی را که در دست دولت است، در کوتاهترین مدت ظاهراً به بخش خصوصی واگذار کنند و بفروشند و

موقعیت کنونی زنان و توهّمات جمهوری اسلامی

وضعیت موجود تمام اراده خود را بر سرکوب جنبش انقلابی موجود متمرکز کرده است. جنبشی که امید سرنگونی را در دل توده‌های مردم ایران به شدت افزایش داده است. جنبشی که سر باز ایستادن ندارد و توده‌های مردم ایران، عزم خود را برای پایان دادن به عمر ننگین این رژیم فاسد و ارتجاعی جزم کرده اند. توده‌های زحمتکشی که اراده‌شان برای سرنگونی جمهوری اسلامی در خیزش انقلابی دی ماه ۹۶ تجلی یافت، در

در صفحه ۵

بحران سیاسی- انقلابی حاکم بر کشور به شدت در حال تعمیق و گسترش است. جامعه برای رهایی از وضعیت متلاطم موجود، نه آتش زیر خاکستر، که یکسره در حال انفجار است. جامعه در آستانه انقلاب است و شرایط عینی برای سرنگونی این نظام فاسد و آدمکش از هر جهت آماده است. شدت بحران به حدی است که دیگر هیچ راهی برای بقاء رژیم متصور نیست. روند سقوط و سرنگونی جمهوری اسلامی آنچنان شتاب گرفته که هیئت حاکمه برای برون رفت از

پیام فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت)- داخل کشور گرامی باد ۱۹ بهمن سالروز نبرد حماسی سیاهکل

در صفحه ۷

پیام فعالان کارگری جنوب به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد سیاهکل

در صفحه ۸

گرامی باد یاد حماسه‌سازان سیاهکل بنیان‌گذاران سازمان

در صفحه ۹

قلب یک کمونیست دیگر از طیش افتاد! اطلاعیه شورا همکاری نیروهای چپ و کمونیست در باره مرگ عیسی جمشیدی

در صفحه ۱۱

زلزله خوی، بی‌تفاوتی حاکمیت و اهمیت سازمان‌یابی توده‌ای

حکومتی نزدیک به ۸۰ درصد واحدهای مسکونی دچار خسارت شده‌اند که از این تعداد کمتر از ده درصد آن‌ها به کلی تخریب شده‌اند. به‌گفته‌ی اهالی شهر خوی اما قریب به اتفاق واحدهای مسکونی شهر خوی آسیب دیده‌اند و وضعیت واحدهای مسکونی در روستاها بسیار بدتر از شهر خوی گزارش شده است.

وضعیت مردم مناطق زلزله‌زده همان‌طور که در رسانه‌های اجتماعی برای عموم مردم قابل مشاهده است و رسانه‌های وابسته به جمهوری اسلامی نیز به دلیل حضور همین رسانه‌های اجتماعی مجبور به اعتراف به برخی از واقعیت‌ها شده‌اند، بسیار وخیم و نگران‌کننده است. در سرمای زیر صفر درجه و بارش برف، تنها دارایی عموم مردمی که در شهر خوی و اطراف‌اش باقی مانده‌اند، چادرهایی‌ست که گاه تا ۲۰ نفر و ۲ تا ۳ خانوار مجبور به استفاده مشترک از آنها هستند، گاه حتا بدون یک پتو. از همین رو آن گروه از اهالی شهرستان خوی که فامیل یا آشنایی در شهرهای اطراف همچون ارومیه داشتند، برای زنده ماندن مجبور به پناه بردن به اقوام یا آشنایان خود شدند. مردمی که ماندند اما برای زنده ماندن در جنگ‌اند بویژه با سرما و گرسنگی. مردمی با کمترین امکانات غذایی، بهداشتی، درمانی، گرمایشی و غیره. تاکنون جان باختن یک مادر ۸۲ ساله و پسر ۵۵ ساله‌اش در اثر مسمومیت ناشی از گاز منواکسیدکربن در رسانه‌ها منتشر شده است، مادر و پسری که به دلیل نبود وسایل گرمایشی برای زنده ماندن در دمای زیر صفر درجه از ذغال برای گرم کردن چادر استفاده کرده بودند. تاکنون بیش از ۱۴۰ نفر از زلزله‌زدگان دچار مسمومیت ناشی از استفاده از "ذغال" و "الور نفتی" شده‌اند.

وضعیتی که بی‌لباقتی یک حکومت سرتاپا فاسد را به‌وضوح به تصویر می‌کشد، و آن‌گاه که مردم به این وضعیت فاجعه‌بار معترض می‌شوند، با چماق مزدوران جبرمخواری روبرو می‌شوند که از شهرهای دیگر به خوی اعزام شده‌اند، مزدورانی که سروسورت‌شان را برای جلوگیری از شناسایی شدن پوشانده‌اند و در مراکز مهم شهر مستقر هستند. برای نمونه عکس یکی از اهالی شهر خوی، مردی مسن با سری خونین از چماق این مزدوران جبرمخوار در رسانه‌های اجتماعی بازتاب بسیاری یافت و نفرت عمیقی بر جان هر انسان شریفی از این حاکمان فاسد نقش بست. روایتی که همواره شاهد آن در تمامی زلزله‌ها و سیل‌ها، در تمامی مصائب اجتماعی، در تمامی اعتراضات بوده‌ایم. مقامات حکومتی نیز مانند همیشه تنها برای گرفتن عکس به منطقه رفتند، از مخبر معاون اول رئیسی تا مقامات استانی و تا فرماندهان سپاه جنایتکاران و اوباشان مانند حسین سلامی.

مقاماتی که وعده وعید می‌دهند اما همین‌که با دوربین‌های صدا و سیما از منطقه رفتند، همه چیز به فراموشی سپرده می‌شود. واقعیتی که مردم به‌خوبی می‌دانند و این را به خبرنگار حکومتی خبرگزاری مهر نیز می‌گویند. یکی از اهالی خوی به وی و دیگر خبرنگاران همراه او می‌گوید: "این چند روز همه مسئولان و خبرنگاران آمدند عکس گرفتند، فیلم تهیه کردند اما فایده نداشت، وضع ما را ببین در سرما، زیر برف گرسنه، بدون لباس، بدون وسایل گرمایشی مانده‌ایم... مسئولان توان مدیریت یک شهر را ندارند، سه روز است زلزله آمده این وضع ماست، زیر گل و لای، وسط برف بدون کوچکترین امکاناتی زن و بچه اینجا تنها مانده‌ایم، فقط یک چادر خالی داده‌اند". یکی دیگر می‌گوید: "تا الان کسی به فریادم توجهی نکرده، خبرنگاران زیادی این چند روز آمدند، عکس گرفتند، فیلم گرفتند، خبر تهیه کرده‌اند اما تأثیری تا الان نداشته، حتا صدا و سیما کلی فیلم و خبر تهیه کرد اما هیچکدام از واقعیت‌ها را پخش نکرد، فقط از حضور مسئولان فیلم پخش کرد".

اما حاکمان فاسد نه تنها به‌گفته‌ی اهالی خوی "توان مدیریت یک شهر را ندارند"، بلکه تا آنجا که می‌توانند حتا مانع رسیدن کمک‌های مردمی می‌شوند. دلیل آن نیز روشن است. حکومت از همیاری و همدردی مردم با یکدیگر، اتحاد و همدلی آن‌ها می‌ترسد و این را همواره در بروز حوادث طبیعی گذشته هم چون زلزله کرمانشاه یا سیل لرستان و خوزستان دیدیم. دیدیم که حکومت حتا تعدادی را به‌جرم سازماندهی کمک‌های مردمی دستگیر و با اتهام "اقدام علیه امنیت ملی" به زندان انداخت. حکومتی که با قانون "حمایت از خانواده و جوانی جمعیت" حتا می‌خواهد در رختخواب مردم هم نظارت داشته باشد و فرمان بدهد، طبیعی‌ست که در مورد مصیبت‌هایی مانند زلزله که گریبان صدها هزار نفر را می‌گیرد بخواد از الف تا ی موضوع را در کنترل خود داشته باشد. حکومت می‌خواهد همه کمک‌های مردمی از کانال خودش عبور کنند تا با صاحب شدن کمک‌های مردمی، آن‌ها را به نام کمک‌های دولتی و یا احیاناً ارگان‌های آدم‌کشی‌اش مثل سپاه جنایتکاران و اوباشان جا بزند.

از آن سو مردم نیز به درستی به حکومت هیچ اعتمادی برای رساندن کمک‌های مردمی به دست زلزله‌زدگان ندارند و برای همین می‌خواهند با ابتکار و مدیریت خود کمک‌ها را به دست زلزله‌زدگان برسانند. در یکی از بسیار فیلم‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است، مادری که نوزاد ۲۰ روزه خود را در بغل دارد می‌گوید: "گناه این بچه‌ی ۲۰ روزه چیست که در سرما باید بماند". یک مادر دیگر می‌گوید: "پس از چند روز تازه به ما یک چادر داده‌اند، اگر کمک‌های مردمی نبود ما همه این‌جا مرده

بودیم". مادر دیگری ضمن اعتراض به ممانعت ورود کمک‌های مردمی توسط پلیس مزدور جمهوری اسلامی خطاب به مقامات دولتی می‌گوید: "اگر کاری نمی‌کنید حداقل مانع کمک‌های مردمی نشوید". مقاماتی که به نیروهای مزدور خود دستور داده بودند تا در سرمای زیر صفر درجه از ماشین آپااش برای متفرق کردن مردمی که از سرما جان به لب رسیده‌اند و آب کافی برای آشامیدن ندارند، استفاده کنند.

جان و دشواری‌های مردم مناطق زلزله‌زده برای جمهوری اسلامی آن‌قدر بی‌اهمیت است که حتا کمک‌های پیشنهادی از سوی دولت‌های ترکیه و آذربایجان را به دلیل اختلافات سیاسی خود با آن دولت‌ها رد کرد و وقتی انعکاس منفی آن را در جامعه دید، معاون امور بین‌الملل هلال احمر جمهوری اسلامی به دروغ گفت: "ترکیه به طور رسمی پیشنهاد کمک نداده بود!!"

وضعیت مردم در سرمای زیر صفر درجه و بدون کمترین امکانات آن قدر وخیم است که وقتی مخبر معاون رئیسی در حال گرفتن عکس و فیلم برای نمایش‌های تبلیغاتی بود، در محاصره مردم معترض حاضر در محل، مجبور شد به خبرنگاران بگوید: "دولت مصمم است مشکلات مردم منطقه را حل کند و تا ۴۸ ساعت آینده به یک جمع بندی می‌رسیم، کمک‌های زیادی از طرف دولت صورت گرفته اما نامناسب توزیع شده و جوابگو نبوده تلاش می‌کنیم در روزهای آینده وضعیت را سامان ببخشیم". در حالی که مردم به صراحت از توزیع تنها چادر آن‌هم به صورت محدود از سوی هلال احمر جمهوری اسلامی خبر می‌دهند، مخبر که یکی از فاسدترین افراد حکومتی‌ست وقیحانه از کمک‌های زیاد دولت سخن گفت و این‌که تمام تقصیرات به خاطر "توزیع نامناسب" است. برآستی که هیچ‌کدام از مقامات جمهوری اسلامی یک روده راست در شکم‌شان وجود ندارد.

او وعده‌ی حل مشکلات مردم در "۴۸ ساعت" را داد، اما با گذشت نزدیک به یک هفته از سفر تبلیغاتی وی به خوی، هیچ تغییری در وضعیت مردم زلزله‌زده ایجاد نشد. تنها نتیجه سفر وی این بود که انعکاس وضعیت وخیم زلزله‌زدگان کم کم از صفحه‌ی رسانه‌های حکومتی محو و به حاشیه رانده شد و تنها وقتی دوباره در رسانه‌های حکومتی انعکاس یافت که حسین سلامی فرمانده سپاه جنایتکاران و اوباشان به خوی سفر تفریحی کرد.

فراموش کردن مردم زلزله‌زده بسان گذشته، در حالی‌ست که حکومت برای ولخرجی‌های تبلیغاتی خود هم پول دارد و هم می‌تواند برنامه‌ریزی کند. خاصه خرجی از پولی که متعلق به مردم است، همان مردم زلزله‌زده.

در صفحه ۴

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت



بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت پنج‌جاه و دومین سالگرد نبرد حماسی سیاهکل و بنیان‌گذاری سازمان

کارگران و زحمتکشان! زنان و جوانان انقلابی! توده‌های ستمدیده مردم ایران!

۱۹ بهمن، یادآور یکی از برجسته‌ترین رویدادهای تاریخ مبارزات مردم ستمدیده ایران، علیه طبقات حاکم ستمگر است.

در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹، در شرایطی که رژیم دیکتاتوری عربیان محمدرضا شاه پهلوی، با اختناق و سرکوب، میلیون‌ها تن از مردم ایران را به اسارت گرفته بود، گروهی از جوانان آگاه کمونیست، پرچم سرخ مبارزه‌ای پیگیر و قهرمانانه را در ایران به اهتزاز درآوردند. این قهرمانان فراموش‌نشده توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران، نبردی را به نام آزادی و سوسیالیسم از جنگل‌های سیاهکل آغاز نمودند که به سرعت در سراسر ایران بازتاب یافت و به پرچم مبارزاتی هزاران کمونیست، زیر لوای سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران تبدیل شد.

برای نخستین بار پس از سال‌ها سکون و سکوت مرگبار پس از کودتای ۲۸ مرداد، مبارزانی پا به عرصه نبرد نهاده بودند که حرفشان عمل‌شان بود. ترس از مرگ را تحقیر کردند، جان خود را درنبرد با دشمنان بشریت فدا کردند و مبارزه‌ای پیگیر و استوار را سازمان دادند. این قهرمانان نبرد آشتی‌ناپذیر، این سنت برجسته مبارزاتی انقلابیون سراسر جهان را در ایران پایه گذاشتند که تحت هر شرایطی باید استوار و پیگیر با دشمن طبقاتی جنگید.

با آغاز این مبارزه، سکون و سکوتی که دیکتاتوری محمدرضا شاه بر کشور حاکم کرده بود، در هم شکست و بر افسانه شکست‌ناپذیری رژیم مهر بطلان کوبیده شد.

بهرغم تمام جنایات و وحشی‌گری‌های رژیم شاه، کشتار صدها تن از فدائیان و به بند کشیدن هزاران تن در زندان‌های قرون‌وسطایی، این مبارزه ادامه یافت، تا روزی که میلیون‌ها تن از توده‌های مردم ایران به نبردی حماسی علیه رژیم سلطنتی برخاستند و با قیام مسلحانه ۲۲ بهمن، بساط نظام سلطنتی را از ایران برچیدند. اما مبارزه مسلحانه‌ای که از سیاهکل آغاز شده بود، با تمام مبارزات قهرمانانه رفقای ما و مبارزه حماسی مردم ایران در جریان انقلاب و قیام مسلحانه بهمن ۵۷، در نتیجه سال‌ها دیکتاتوری، سرکوب و اختناق که توده‌های وسیع مردم را در ناآگاهی و بی‌سازمانی قرار داده بود، نتوانست به سرانجام پیروزمندش برسد. قدرت سیاسی بار دیگر در دست ارتجاع قرار گرفت و رژیم ستمگر دیگری به نام جمهوری اسلامی با استبدادی هولناک‌تر از گذشته، مردم ایران را به اسارت گرفت.

این بار اما سنت ایستادگی و مقاومت در برابر ارتجاع، به جزئی جدائی‌ناپذیر از زندگی سیاسی توده‌های زحمتکش مردم ایران تبدیل شده بود. تمام دوران حاکمیت ستمگرانه جمهوری اسلامی سرشار از مبارزات پیشگامان نبرد در راه آزادی و سوسیالیسم، فدائیان اقلیت و توده‌های مردمی است که قهرمانانه پیکار کردند و از جان خود گذشتند. اگر فقط به رویدادهای مبارزاتی مردم ایران در طول چند سال اخیر نظر افکنیم، همان جسارت، فداکاری و قهرمانی را در مبارزات توده‌های کارگر و زحمتکش، زنان و جوانانی می‌بینیم که در مبارزات قهرمانانه رفقای ما علیه رژیم شاه و جمهوری اسلامی بوده است. زنان و مردان جوانی که در همین موج اخیر مبارزات، جسورانه و قهرمانانه با دشمنان بشریت جنگیدند و جان فشانند، نمونه درخشانی از پایداری سنت مبارزه‌ای است که پرچم پرافتخار آن را رفقای ما در سیاهکل بلند کردند. باید برای رسیدن به هدف، استوار و پیگیر با ستمگران و مرتجعان جنگید و از جان نیز گذشت. این آموزه بزرگ نبرد سیاهکل بود. زمانی شعار ما این بود، به‌جای هر فدائی که در مبارزه جان فدا می‌کند، ده‌ها فدائی دیگر به پا می‌خیزند، امروز، توده‌های مردم ایران در خیابان‌ها، رو در روی سرکوبگران شعار می‌دهند، به‌جای هر مبارزی که بر خاک می‌افتد، هزاران مبارز جای او را می‌گیرند.

سیاهکل و ادامه مبارزات سازمان ما در شهرها، این سنت مبارزه را در جامعه ایران احیا کرد که ستمگران را باید با قهر انقلابی و اسلحه به زیر کشید. همین سنت است که خود را در قیام مسلحانه توده‌ای ۲۲ بهمن، در مبارزات مسلحانه علیه جمهوری اسلامی در نخستین سال‌های پس از به قدرت رسیدن آن، در شورش‌های تهی‌دستان اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه هفتاد. در جنبش دانشجویی ۷۸، در تظاهرات و شورش دی‌ماه ۹۶، در قیام آبان ۹۸ و مبارزات قهرمانانه چندین ماه اخیر نشان داده است.

مرتجعین حاکم بر ایران، درحالی‌که پیوسته به قهر ضدانقلابی علیه مردم متوسل می‌شوند و وحشیانه کشتار می‌کنند، همواره تلاش کرده‌اند این باور ارتجاعی را در میان مردم رواج دهند که توسل به قهر انقلابی از جانب توده‌های تحت ستم، مضموم است و باید به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز، البته آن‌هم در یک رژیم استبدادی وحشی، مبارزه کرد. اما مردم ایران این موعظه‌های ارتجاعی را به دور افکنده‌اند و دریافته‌اند که بدون مبارزه‌ای قهرآمیز علیه رژیم استبدادی و تروریسم حاکم، راه نجاتی برای آن‌ها نیست. این را به‌وضوح در قیام ۹۸ و در مبارزات اخیر نشان دادند. امروز هم که جامعه ایران در یک موقعیت انقلابی در آستانه یک انقلاب قرار گرفته و بیش از هر زمان دیگر باید برای سرنگونی قهرآمیز و مسلحانه رژیم سر تا پا مسلح و بیرحم آماده شد، بازم طرفداران نظم ارتجاعی حاکم از تلاش خود برای موعظه مبارزه مسالمت‌آمیز و به‌اصطلاح بدون خشونت، دست‌بردار نیستند. اما راهی برای برانداختن ستمگران و سرنگونی جمهوری اسلامی جز توسل به سلاح و برپائی قیام مسلحانه وجود ندارد. ناگفته روشن است که باید تمام اشکال مبارزه را به کار گرفت، این را مردم ایران خوب آموخته و به آن عمل کرده‌اند، اما سرانجام، قیام مسلحانه است که سرنوشت مبارزه را تعیین خواهد کرد. به‌ویژه درک این حقیقت، امروز بیش از هر زمان دیگر مهم است که "قهر، مامای هر جامعه کهنه‌ای است که آبستن جامعه‌ای نوین است".

نبردی را که رفقای ما در سیاهکل آغازگر آن بودند، مبارزه‌ای برای برپائی یک انقلاب اجتماعی بود که یک نظم نوین سوسیالیستی را در ایران حاکم سازد. بنیان‌گذاران سازمان ما، ضمن مرزبندی قاطع با رفرمیسم و اشکال مختلف تجدیدنظرطلبی در عرصه داخلی و بین‌المللی، دست رد بر سینه کسانی زدند که مبارزه را به چهارچوب نظم موجود محدود می‌کردند و از انقلاب اجتماعی دفاع کردند. به‌رغم شکست انقلاب ۵۷، ضرورت این انقلاب، امروز میرمتر از هر زمان دیگر است. اوضاع سیاسی جامعه ایران از سال ۹۶ تا به امروز، مبارزات قهرمانانه کارگران، معلمان، زنان، دانشجویان، تهی‌دستان شهرها در طول چند سال اخیر، به‌وضوح نیاز به انقلاب اجتماعی را برای حل بحران‌های جامعه سرمایه‌داری ایران، تحقق مطالبات عموم مردم و گذار به سوسیالیسم، نشان می‌دهد. مبارزات مردم ایران در این چند ماه اخیر نیز آشکارا نشان داد که بدون سرنگونی جمهوری اسلامی و دگرگونی تام و تمام نظم موجود، این جنبش از حرکت باز نخواهد ایستاد.

زلزله خوی، بی‌تفاوتی حاکمیت و اهمیت سازمان‌یابی توده‌ای

کودکان خوی به خاطر نبود وسایل گرمایشی باید در سرمای زیر صفر درجه بلرزند اما جمهوری اسلامی فقط در یک فقره ناقابل که اخیراً اخبار آن منتشر شد، ۲۱ میلیارد تومان هزینه برگزاری "کنگره زنان تاثیرگذار" در بهترین هتل‌های تهران با پذیرایی مجلل کرد. زنان "تاثیرگذاری" که نه خودشان و نه هیچ کس دیگر نفهمید "تاثیرگذار"ی‌شان چه بوده است، حتا آن ۵ نفری که برنده‌ی جایزه‌ی ۲۰ هزار یورویی شدند. ۱۰۰ هزار یورویی که متعلق به کودکان در سرما رها شده‌ی خوی بود، ۱۰۰ هزار یورویی که سهمی از آن متعلق به همان مادر و پسری بود که در اثر استنشاق گاز منواکسید کربن جان باختند.

حکومتی که در کشتار و اعدام رتبه اول را در جهان دارد، اما آن‌قدر بی‌لیاقت و بی‌مسئولیت است که حتا قادر و یا بهتر است بگویم حاضر به تامین نیازهای مردم زلزله‌زده تنها در یک شهرستان از تمام شهرهای ۳۱ استان کشور نیست. کاری که حتا از بی‌لیاقت‌ترین

حکومت‌های کنونی جهان نیز برمی‌آید. این واقعیت اما یک روی دیگر نیز دارد و آن اهمیت سازمان‌یابی توده‌ای است. در حکومتی مانند جمهوری اسلامی که دره‌ی عمیقی بین مقامات دولتی و توده‌های مردم وجود دارد، برای مقامات دولتی خواست، منافع و حتا زندگی توده‌های مردم اهمیتی ندارد. آن‌ها غرقه در زندگی مرفه‌شان، خود را قادر مطلق و صاحب اختیار مردم می‌دانند که باید در مورد چگونگی زندگی مردم تصمیم بگیرند. مردم ستمدیده اما با سازماندهی خود، از جمله در مواجهه با مصائب طبیعی با سازماندهی کمیته‌های محلات می‌توانند به یاری یکدیگر شتافته و به این ترتیب مصیبت‌های ناشی از این وقایع را به حداقل برسانند. همان چیزی که آن "قادر مطلق و صاحب اختیار مردم" از آن می‌ترسد و هراس دارد: سازماندهی توده‌ای.

در حکومت شورایی اما هیچ فاصله‌ای بین مقامات دولتی و توده‌های مردم وجود ندارد. در حکومت شورایی این کارگران و زحمتکشان جامعه هستند که در مورد سرنوشت خود تصمیم می‌گیرند و تصمیمات خود را به اجرا درمی‌آورند. سازمان‌یابی کمیته‌های محلات نیز در واقع می‌تواند یکی از اشکال اولیه‌ای باشد که هم می‌تواند در سرنوشت جمهوری اسلامی و پیروزی قیام مسلحانه توده‌ها نقش ایفا کند و هم با سرنوشت جمهوری اسلامی به سرعت به بخشی از شوراهای اعمال حاکمیت کارگران و زحمتکشان تبدیل گردد.

بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد نبرد حماسی سیاهکل و بنیان‌گذاری سازمان

بنیان‌گذاران سازمان ما، برخلاف اپوزیسیون‌های بورژوائی و رفرمیست رژیم شاه که مروج این نظریه ارتجاعی بودند که در ایران امکان یک نظام مشروطه سلطنتی یا جمهوری پارلمانی بورژوائی وجود دارد، خواهان سرنوشتی رژیم سلطنتی، در هم شکستن تمام دستگاه دولتی موجود و استقرار نوع نوین دولتی بودند که در آن طبقه کارگر قدرت سیاسی را در دست داشته باشد و توده‌های وسیع مردم بر سرنوشت خود حاکم باشند. قیام مسلحانه توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران و تلاش برای درهم شکستن ماشین دولت بورژوائی بموضوع نشان داد که توده‌های مردم ایران برای پیروزی انقلاب، خواهان درهم شکستن ماشین دولتی کهنه و استقرار نوع نوینی از دولت هستند. در همان حال با ایجاد شوراها نشان دادند که شکل سازمانی این دولت نوع نوین، شورایی است. این همان دولتی است که سازمان فدائیان (اقلیت) از آن دفاع می‌کند و یگانه‌ی تبدیل کارگران و توده‌های زحمتکش ایران در مبارزه علیه طبقه حاکم بر ایران است. از همین روست که در دوران انقلابی کنونی نیز مکرر شعار حکومت شورایی از سوی کارگران و توده‌های زحمتکش به میان کشیده شده است. ائتلافی‌های سیاسی رنگارنگ بورژوائی اپوزیسیون هیچ‌یک مردم را بر سرنوشت خود حاکم نخواهند کرد. چراکه آن‌ها در تلاش‌اند دستگاه دولت استبدادی موجود را با اندکی اصلاحات ناچیز حفظ کنند و مردم را در اسارت و انقیاد نگاهدارند. تنها در هم شکستن تمام دستگاه دولت استبدادی سرمایه و استقرار یک دولت شورایی است که می‌تواند انقلاب اجتماعی را به سرانجام پیروزمندش برساند.

سازمان فدائیان (اقلیت) به‌عنوان پاسدار سنت‌های انقلابی و اهداف و آرمان‌های بزرگ سوسیالیستی حماسه‌آفرینان سیاهکل و بنیان‌گذاران سازمان، همواره در طول تمام دوران حیات خود، پیگیرانه در راه تحقق اهداف بزرگ آزادی‌خواهانه و سوسیالیستی، برپایی یک انقلاب اجتماعی کارگری و استقرار فوری یک دولت شورایی و حکومت شورایی تلاش نموده و در تمام‌دورانی که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بر سر کار آمده است، از آرمان‌ها و اهداف طبقه کارگر ایران و مطالبات تمام ستمدیدگان ایران دفاع کرده است. اکنون نیز در پنجاه و دومین سالگرد نبرد حماسی سیاهکل و بنیان‌گذاری سازمان، بار دیگر بر عهد و پیمان خود به ادامه راه، اهداف و آرمان‌های بزرگ سوسیالیستی و کارگری صدها رفیقی که در دوران رژیم‌های ارتجاعی و ستمگر پاسدار سرمایه در ایران مبارزه کردند و جان فشاندند، تأکید می‌کند.

سازمان فدائیان (اقلیت) به‌عنوان مدافع پیگیر اهداف و آرمان‌های طبقه کارگر، به‌عنوان مدافع برپایی یک انقلاب اجتماعی کارگری و استقرار یک قدرت شورایی کارگری در ایران، در پنجاه و دومین سالگرد، حماسه سیاهکل و بنیان‌گذاری سازمان، عموم توده‌های کارگر و زحمتکش، زنان و جوانان انقلابی را به تشدید مبارزه برای سرنوشتی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورایی، از طریق برپایی اعتصابات عمومی و سرتاسری و قیام مسلحانه، فرامی‌خواند.

جاودان باد یاد و نام پرافتخار فدائیان که در راه آزادی و سوسیالیسم جان فشاندند

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه‌داری

زنده‌باد آزادی - زنده‌باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

بهمن‌ماه ۱۴۰۱

کار نان آزادی - حکومت شورایی

کار، نان، آزادی، حکومت شورایی

موقعیت کنونی زنان و توهمات جمهوری اسلامی

قیام آبان ۹۸ قدرتمندتر شد و پس از قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی به جنبشی سرنگون طلب، گسترده، رادیکال و پر قدرت تبدیل شد. جنبشی که زنان مبارز و سلحشور ایران در تعمیق و گسترش و پیشبرد آن سهم بی بدیلی داشته اند.

از ۲۶ شهریور ۱۴۰۱- روز خاکسپاری ژینا- تا به امروز، زنان ایران با محوریت شعار "زن، زندگی، آزادی" در خط مقدم این جنبش انقلابی قرار داشته اند. در ۵ ماه گذشته، دلاوری دختران و زنان ایران در کف خیابان و حضور پر قدرت آنان در میدان مبارزه، آنچنان برجسته بوده است که جهان را به حیرت واداشت. جدال و رو در رویی زنان ایران با نیروهای سرکوبگر رژیم، آنچنان متهورانه و بی باکانه بوده است که در عرصه داخلی و بین المللی تحسین همگان را برانگیخت. جشن روسری سوزان زنان در مقابل نیروهای سرکوب رژیم، آنچنان غرور آفرین بود که افکار عمومی جهان و جهانیان را تسخیر کرد. طی چند ماه گذشته، مبارزات دلاورانه زنان ایران در عرصه داخلی و جهانی تا بدان حد تاثیرگذار بوده است که جنبش انقلابی توده های مردم ایران به نوعی به نام زنان ایران سکه خورد. نام "مهسا" در میدان شهرهای بزرگ جهان نقش بست، شجاعت زنان ایران زبانزد عام و خاص شد و جهان یکسره در مقابل دلاوری های زنان ایران سر تعظیم فرود آورد.

پوشیده نیست جایگاه رفیعی را که اکنون زنان در عرصه مبارزاتی به دست آورده اند، نه محصول ۵ ماه گذشته که حاصل ۴۴ سال پیکار و مبارزات دلاورانه آنان برای کسب حقوق پامال شده شان بوده است. بی تردید، موقعیتی را که اکنون زنان ایران کسب کرده اند، حاصل بیش از چهار دهه مبارزات مستمر آنان علیه نابرابری و تبعیضات جنسیتی تحمیل شده بر آنان است، که اکنون اینچنین شوکه مند و پر افتخار در جنبش انقلابی ایران تبلور یافته است.

تجلی این ظهور قدرتمند زنان و تاثیر گذاری آنان بر جنبش انقلابی موجود، برای رژیم زن ستیز حاکم بر ایران آنچنان پر هزینه بوده است که این روزها با فروکش کردن نسبی اعتراضات خیابانی، تمام دستگاه های سرکوب رژیم از رئیس جمهور و دادستانی و وزیر ارشاد گرفته تا نمایندگان مجلس ارتجاع و دیگر نهادهای متولی پاسدار قوانین اسلامی، جملگی خشمگین و نعره زنان به میدان آمده اند تا شاید بتوانند آب رفته را به جوی باز گردانند. دستگاه های سرکوب رژیم، جملگی با تاکید بر اینکه حجاب یک ضرورت "دینی" و اجرای آن "قانونی" است، در صددند تا موقعیتی را که زنان ایران با مبارزات جسورانه خود کسب کرده اند، از آنان باز پس گیرند و زنان ایران را به شرایط سال های گذشته باز گردانند.

ارتجاع حاکم پس از ضربات سختی که از مبارزات قهرمانانه زنان ایران در نفی حجاب اجباری خورده است، بار دیگر به تاسی از قوانین قرون وسطایی دین و شریعت یک جنگ

روانی تمام عیاری را علیه زنان ایران براه انداخته، تا آنان را نسبت به دستاوردهای بزرگی که در جنبش انقلابی اخیر بدست آورده اند، دل سرد و زنان را به عقب نشینی از موقعیت کنونی بکشاند. هیئت حاکمه برای ایجاد یاس در زنان ایران، نه فقط برای بازگرداندن آنان به دوران پیش از شهریور ۱۴۰۱ خیز برداشته است، بلکه فراتر از آن با توهمات خیال پردازانه و با ایجاد یک جنگ روانی در صدد است تا زنان مبارز ایران را به شرایط سال های آغازین به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی سوق دهد.

محمد منتظری، دادستان کل رژیم، با تکیه بر اجرای "قانون" در جمهوری اسلامی، برداشتن حجاب را "جرم مشهود" اعلام کرد و زنان "بی حجاب" را به برخورد قضایی تهدید کرده است. نمایندگان مجلس ارتجاع برای محدود کردن زنان، در صدد تصویب قانونی بر آمده اند تا کلیه زنان بعد از ۱۸ سالگی، بدون اجازه "سرپرست"، قادر به خروج از کشور نباشند. محمد مهدی اسماعیلی، وزیر ارشاد، از تشکیل "قرارگاه زیست عقیقانه" برای زنان خبر داده است. موسی غضنفرآبادی، رئیس کمیسیون قضایی مجلس، از بررسی طرحی در این کمیسیون خبر داد، که در صورت تصویب نهایی، افراد "بی حجاب" جریمه شده و در صورت عدم پرداخت، "کارت ملی" آنان مسدود و از "خدمات اجتماعی" محروم خواهند شد. استانداران تعدادی از استان های کشور با ابلاغ بخشنامه های کذایی، صاحبان پاساژها و مراکز خرید را تهدید کرده اند که در صورت خدمات رسانی به زنان "بی حجاب"، مراکز خرید آنان "پلمپ" خواهد شد.

ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور برگزیده خامنه ای نیز با تاکید بر "قانونی" بودن حجاب و اینکه حجاب از "ضروریات" دین است، زنان ایران را به رعایت حجاب اسلامی فرا خوانده است. او در مصاحبه با همشهری آنلاین، در ابتدای سخن، با این ادعای دروغین که نگاه "دولت" به حجاب، "امنیتی" نیست، بلکه "فرهنگی و اجتماعی" است، سعی کرد تا به نوعی بحران حجاب و بعد امنیتی آن را کمرنگ جلوه دهد. اما از آنجا که خود به خوبی می داند جمهوری اسلامی بدون سرنیزه حتی یک روز هم نمی تواند اجرای حجاب اجباری را در جامعه عملی کند، بلافاصله با طرح این موضوع که حجاب "ضرورت دین" است و "قانون" هم بر "اجرای آن" صحنه گذاشته است، منویات درونی خود را برملا کرد و نشان داد که رعایت حجاب اجباری برای او و کل نظام، هرگز امری "فرهنگی و اجتماعی" نبوده و نیست، بلکه امری دینی و ایدئولوژیک است که اجرای آن با توجه به مقاومت زنان همواره ابعدادی امنیتی برای رژیم داشته است.

پوشیده نیست، وقتی حاکمیت به حجاب از منظر یک ضرورت "دینی" و "قانونی" تاکید داشته باشد و در عین حال زنان نیز به رعایت آن پایبند نباشند، آنوقت موضوع رعایت حجاب خارج از اراده این یا آن مسئول، این یا آن رئیس جمهور،

به امری امنیتی برای کل دستگاه دولتی تبدیل خواهد شد. چنانکه در ۴۴ سال گذشته همواره با همین نگاه امنیتی با زنان برخورد شده است. با همین نگاه امنیتی بوده است که به روی زنان ایران اسید پاشیدند، گشت ارشاد را راهی خیابان ها کردند، زنان بیشماری را به خاطر بیرون آمدن چند تار مو مورد ضرب و شتم قرار دادند، بسیاری از آنان را جریمه، جمعی را بازداشت و تعداد دیگری را راهی زندان کردند. با همین نگاه امنیتی رژیم در برخورد به موضوع حجاب بوده است، که نیروهای گشت ارشاد، مهسا (ژینا) امینی را بازداشت و پس از سه روز، جنازه او را تحویل خانواده اش دادند. روشن است که تمام رجز خوانی های کنونی مسئولان جمهوری اسلامی، مبنی بر اینکه موضوع حجاب برای نظام یک موضوع "اجتماعی" و "فرهنگی" است نه امنیتی، دست کم برای زنان ایران که سال های متمادی تیغ امنیتی حجاب را تجربه کرده اند، محلی از اعراب ندارد.

در واقع، اگر آنگونه که ابراهیم رئیسی ادعا کرده و گفته است موضوع حجاب برای نظام یک امر "اجتماعی" و "فرهنگی" است، پس چرا تمام نهادهای امنیتی و سرکوبگر رژیم این روزها این چنین شتابان به میدان آمده اند تا دوباره موضوع "حجاب" را به بحث روز جامعه تبدیل کنند؟ آهم در شرایطی که جامعه در آستانه یک انقلاب قرار دارد و توده های مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی خیز برداشته اند.

تجربه ۴۴ سال سرکوبگری جمهوری اسلامی نشان داده است که زنان ایران همواره خاکریز اول نظام برای ورود به سرکوب کل جامعه بوده اند. در تمامی این سال ها، در هر دوره ای که جمهوری اسلامی موفق به سرکوب کامل زنان شد، عملا سرکوب را به کل جامعه نیز تسری بخشید. اکنون اما پرسش این است، نظام و نیروهای سرکوبگرش اینبار هم موفق خواهند شد تا زنان جامعه را سرکوب و به عقب نشینی اجباری در مقابل رژیم وادارند؟ پاسخ به این پرسش در همین ابتدای امر یک نه بزرگ است.

این پاسخ قطعی جامعه به سرکوبگران رژیم است. چرا که اکنون شرایط جامعه و موقعیت زنان در مقایسه با سال های گذشته کاملا متفاوت است. آنچه در این ۵ ماه گذشته رخ داد، زنان دلاور ایران به طرز شگفت آوری بدون توجه به سلاح سرکوب، حجاب از سر برکشیدند، در مقابل چشمان حیرت زده پلیس، جشن روسری سوزان برپا کردند، در مقابل هارترین نیروهای سرکوب، سینه سپر کردند و بدون کمترین ترسی چشم در چشم دشمن، "زن، زندگی، آزادی" را فریاد زدند. ضربه ای را که جمهوری اسلامی پس از مرگ "ژینا" از زنان ایران خورد، در تاریخ حاکمیت ننگین این رژیم مستبد و ضد زن بی سابقه بوده است. نفی کامل حجاب از طرف زنان ایران، در واقع کشیدن کبریت به چادر آلوده به بنزین خیمه گاه حجاب رژیم بود. تمام رجزخوانی های کنونی دستگاه های سرکوب علیه زنان، دقیقا ناشی از همین آتش گرفتگی خیمه گاه حجاب است که زنان ایران با شجاعتی تحسین برانگیز، این سمبل ایدئولوژیک و نماد سرکوب جمهوری اسلامی را به آتش کشیدند.

حال در چنین اوضاع و احوالی که بحران انقلابی

موقعیت کنونی زنان و توهمات جمهوری اسلامی

سراسر کشور را فرا گرفته است، در شرایطی که توده های مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی خیز برداشته اند، در وضعیتی که زنان ایران عملاً قانون حجاب را به دور افکنده و طی ماه های گذشته نه فقط برای دور افکندن حجاب، بلکه برای آزادی و برابری، برای نفی ستم جنسیتی و احقاق تمام حقوق پایمال شده شان دلاورانه به وسط میدان مبارزه با جمهوری اسلامی قدم گذاشته اند، روشن است که هیئت حاکمه ایران نمی تواند به سادگی و با توهم به سال های دور اقتدار و قدرت نمایی خود، زنان ایران را به دوران گذشته باز گرداند. پوشیده نیست، در وضعیت کنونی و جایگاه رفیعی که زنان ایران با جشن حجاب سوزان کسب کرده اند، آنچه اکنون برای جمهوری اسلامی حائز اهمیت است، نه برخورد با کم حجابی، بلکه بازداشتن زنان از برداشتن کامل حجاب است. عقب نشینی فعلی جمهوری اسلامی در مقابل زنان کم حجاب و شل حجاب، دقیقاً برگرفته از موقعیت کنونی جنبش انقلابی و پیروزی هایی است که زنان ایران در ماه های گذشته به دست آورده اند. این پیروزی زنان برای جمهوری اسلامی چنان سنگین و گران بوده است که خامنه ای را بر آن داشت تا زنان معترض ایران را که طی ۴۴ سال گذشته به خاطر شل حجابی، کم حجابی یا بیرون آمدن چند تار مو، توسط پلیس و نیروهای مزدور گشت ارشاد سرکوب و بازداشت می شدند، صرفاً به دلیل اینکه حجاب کامل از سر بر نداشتند، زنان وفادار به حجاب و نظام معرفی کند تا شاید تلخکامی زهر شکستی را که رژیم بعد از قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی متحمل شده است، کاهش دهند.

اما جمهوری اسلامی و تمامی دم و دستگاه های سرکوب این نظام زن ستیز و آدمکش که اکنون با تکیه بر افت نسبی مبارزات خیابانی توده های مردم ایران، این چنین برای زنان "بی حجاب" رجز خوانی می کنند و آنان را به "جریمه" های نقدی و محرومیت از "خدمات اجتماعی" تهدید می کنند، باید بدانند، در شرایطی که زنان ایران عملاً از مرحله حجاب عبور کرده اند، در وضعیتی که یک موقعیت انقلابی بر جامعه حاکم است و جامعه در آستانه انقلاب و خیزش های بلندتری قرار دارد، خواب های این چنینی ارتجاع حاکم به راحتی تعبیر نخواهد شد. خواب های غیر قابل تعبیری که ریشه در توهم سال های اقتدار رژیم دارد. توهمی که دست کم در همین ۵ ماه اخیر، زنان ایران خط بطلان بر آن کشیده اند.



پنجاه و دومین سالگرد حماسه سیاهکل



غمه در نغمه خون
غلغله زد تندر شد
شد زمین رنگ دگر
رنگ زمان دیگر شد



چشم هر اختر پوینده
که در خون می گشت
برق خشمی زد و
بر گرده شب خنجر شد



آن دلاور که قفس با
با گل خون می آراست
لب آتشنه آمد
سخن اش آذر شد

کمیته خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت) برگزار می کند
یادمان ۵۲ امین سالگرد حماسه آفرینان سیاهکل در استکهلم
سخنران: توکل (موقعیت جنبش انقلابی و وظایف ما)
شعر خوانی: عباس سماکار

ترانه سرودهای انقلابی: خواننده: نغمه کوهستانی - گیتار:
حسین گردین و میلاد آزادپور

زمان: جمعه ۱۰ فوریه از ساعت ۱۸ تا ۲۱
مکان: استکهلم- هوسبی (سالن اجتماعات هوسبی ترف)

**کمیته خارج کشور
سازمان فدائیان (اقلیت)
برگزار می کند:**

یادمان ۵۲
حماسه آفرینان سیاهکل
در استکهلم

سخنرانی: توکل (موقعیت جنبش انقلابی و وظایف ما)
شعر خوانی: عباس سماکار
موسیقی

جمعه ۱۰ فوریه از ساعت ۱۸ تا ۲۱
استکهلم- هوسبی (سالن اجتماعات هوسبی ترف)

نغمه در نغمه خون
غلغله زد تندر شد
شد زمین رنگ دگر
رنگ زمان دیگر شد

محمدعلی محدث قدسی، هوشنگ نیری، محمدمهدی اسحاقی، جلیل زقزاقی، احمد فرهودی، علی اکبر صفایی فراهانی، اسماعیل معینی عراقی، محمدهادی فاضلی، شجاع الدین مشیدی، هادی بندهفدا آنگرودی، محمد رحیم سمائی، غفور حسن پور اصیل، ناصر سیف دلیل صفایی، عباس دانش پورادی، اسکندر رحیمی.

پیام فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور

گرامی باد ۱۹ بهمن سالروز نبرد حماسی سیاهکل

کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی

بیش از نیم قرن از نبرد حماسی سیاهکل در روز ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ می‌گذرد. در این روز گروهی از انقلابیون کمونیست با حمله مسلحانه به پاسگاه سیاهکل، مزدوران مسلح مستقر در این پاسگاه را خلع سلاح کردند. نوزده بهمن، روزی است که رفقای قهرمان ما پرچم آغاز مبارزه مسلحانه را در جنگل‌های شمال به اهتزاز درآوردند. غرش مسلسل رفقای سیاهکل، آرامش و ثبات رژیم شاهنشاهی را برهم زد، راه نوینی را پیش پای کمونیست‌ها و مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم گذاشت و در تاریخ جنبش کمونیستی ماندگار شد. در همین روز موجودیت یک جریان رزمنده کمونیست نطفه بست و سازمان چریک‌های فدائی خلق متولد شد.

گوزن‌های سرخ جنگل و ادامه دهندگان راه رفقای سیاهکل با از جان گذشتگی و مبارزه‌ای آشتی ناپذیر علیه ظلم و ستم و نابرابری، پرچم آرمان‌های سوسیالیستی و آزادیخواهانه را برافراشتند، جو سکون و رخوت حاکم بر جامعه را شکستند و بر نظریه پردازان و افسانه سرایی‌های دیکتاتوری حاکم پیرامون قدر قدرتی و شکست ناپذیری رژیم شاهنشاهی نقطه پایان گذاشتند. علی‌رغم آنکه ۵۲ سال از آن حماسه سپری شده است، اما سیاهکل و خاطره رفقای برپادارنده مبارزه مسلحانه همچنان زنده است. رژیم دیکتاتوری شاهنشاهی سرنگون شد اما رژیم ارتجاعی و استبدادی دیگری بر جای آن نشست. سازمان فدائیان (اقلیت) به عنوان پاسدار سنت‌های انقلابی و کمونیستی رفقای سیاهکل برای تحقق آرمان‌های سوسیالیستی این رفقا به مبارزه‌ای آشتی ناپذیر علیه رژیم دیکتاتوری و مذهبی جمهوری اسلامی برخاست و بیش از چهل سال به مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، رهایی مردم ستم دیده از یوغ استبداد مذهبی و استقرار حکومت شورایی ادامه داده است. علی‌رغم سرکوب‌های وحشیانه رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی، سازمان ما و فعالین و هواداران سازمان همواره همدوش و در کنار مبارزان خیابانی و حامی اعتصابات و تظاهرات توده‌های کارگرو زحمتکش، زنان، معلمان، دانشجویان و دانش‌آموزان بوده و خواهند بود. در حالی که هم اکنون توده‌های مردم به مبارزه‌ای سرنوشت ساز و پیکار برای سرنگونی جمهوری اسلامی برخاسته‌اند، طبقه سرمایه دارو تمامی ثروتمندان و مرتجعین از این وحشت دارند که سرنگونی جمهوری اسلامی به استقرار یک حکومت شورایی در ایران بیانجامد. گروه بندی‌های بورژوازی اپوزیسیون به دست و پا افتاده‌اند و از هم اکنون با طرح شعارهایی نظیر «فراندوم، مجلس مؤسسان و وکالت می‌دهم»، بیهوده تلاش می‌کنند مانع ابتکار عمل توده‌ای شوند و انقلاب را به انحراف بکشانند. مردم مبارز اما به کمتر از سرنگونی تمام نظم موجود و استقرار حکومت شوراها رضایت نخواهند داد.

کارگران، زحمتکشان و زنان مبارز!

امروز رژیم ارتجاعی و سرکوبگر جمهوری اسلامی دقیقاً در همان جایگاهی قرار گرفته است که رژیم سلطنتی در سال ۵۷ در آن قرار گرفته بود. چندان نخواهد پایید که این رژیم استبدادی و کودک کش نیز با یک انقلاب توده‌ای به همان زبانه دانی تاریخ فرستاده شود که رژیم سلطنتی فرستاده شد. رژیم دیکتاتوری شاهنشاهی، پیش از سقوط به اهرم‌ها و ترفندهای گوناگونی متوسل شد تا بلکه جلوی سرنگونی را بگیرد و خود را نجات دهد. ارتجاع اسلامی حاکم نیز برای بقای خویش به حربه‌های گوناگون و بیش از همه به تشدید سرکوب متوسل شده است تا خود را از خطر سقوط برهاند. اما هیچ راهی برای نجات رژیم باقی نمانده است و ارتجاع اسلامی را درست مانند ارتجاع شاهنشاهی راه گریزی از سرنگونی نیست.

ما فعالین و هواداران سازمان فداییان (اقلیت) - داخل کشور در سالروز حماسه سیاهکل بار دیگر یاد رفقای سیاهکل و تمامی رفقای را که در طول این سال‌ها در مبارزه قهرمانانه خود برای تحقق اهداف و آرمانهای آزادی خواهانه و سوسیالیستی جان فشاندند گرامی می‌داریم. ما با رفقای جانفشانده خود پیمان بسته‌ایم، با استواری به مبارزه برای تحقق اهداف و آرمانهای کمونیستی طبقه کارگر ادامه دهیم. ما فعالین و هواداران سازمان فداییان (اقلیت) - داخل کشور، عموم کارگران و زحمتکشان و تهیدستان را به تشدید مبارزه برای سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی فرا می‌خوانیم و معتقدیم راه نجاتی برای کارگران و مردم ستمدیده جز براندازی نظم موجود، استقرار حکومت شورایی و سوسیالیسم وجود ندارد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد حکومت شورایی

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور

بهمن ۱۴۰۱

پیام فعالان کارگری جنوب

به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد سیاهکل

رفقا، پنجاه و دومین سالگرد تولد سازمان شمارا تبریک می‌گوییم. بنیان‌گذاران سازمان شما، سرشار از اراده و انگیزه بودند، و بهمان اندازه آگاه، جسور و بی‌باک، با خود عهد کرده بودند که بر دو مطلق جامعه، قدر قدرتی رژیم از یکطرف، ضعف و سکون جاری بر طبقه کارگر از طرف دیگر، غلبه کنند. توانستند با پراتیک اجتماعی و عمل انقلابی خود بر هر دو مطلق فائق آیند.

در غروب ۱۹ بهمن ۴۹ در سیاهکل بانگ سلاح آن رفقا جامعه خوابزده آن روز را بیدار کرد. رفقای سیاهکل مبارزه آشتی‌ناپذیری را با دشمن مردم آغاز کردند و با گام‌های استوار جهت تحقق رهایی توده‌های کارگر و زحمتکش وارد عرصه مبارزه سیاسی طبقاتی جدی با رژیم شدند. ۵۲ سال از آن زمان می‌گذرد. امروز جامعه ما بعد از تحمل چهل‌وپنجاه سال سکون و سرکوب و یکه‌تازی رژیم سرمایه‌داری ارتجاعی جمهوری اسلامی بر دو مطلق رژیم ساخته زمان خود فائق آمده، جوانان، زنان، کارگران و زحمتکشان توانستند در عرصه وسیع اجتماعی با مبارزه سیاسی انقلابی خود و با پایداری، مقاومت عملاً رژیم اسلامی را از مشروعیت بپندارند و به میزان زیادی بر فضای رژیم ساخته غلبه کنند. این به‌نوبه خود یک پیروزی است. وقفه‌های کوتاه در مبارزه حکم نفس تازه کردن و تشدید مبارزه را دارد تا در فازی بالاتر برای پیروزی نهایی پیگیر مبارزه انقلابی شویم. مبارزه متوقف نشده و تداوم دارد. با دورخیز برای شکل عالی‌تری از سازمان‌دهی عمومی برای پیشروی انقلابی باید آماده شویم. ما فعالان کارگری جنوب ضمن گرامیداشت پنجاه و دومین سالگرد حماسه سیاهکل، اعتقادمان بر این است، در شرایط کنونی باید همچنان با حمایت و پشتیبانی بی‌دریغ خود از طبقه کارگر و عموم زحمتکشان به تشکل‌یابی توده‌ای و مبارزه سازمان‌یافته این طبقه کمک کنیم. با پیروزی طبقه کارگر است که عموم توده‌ها و جامعه از مصائب مشکلاتشان رهایی پیدا می‌کنند. سازمان‌دهی فصل کار مشترک ما در این برهه زمانی، بسیار تعیین‌کننده است و زمینه غلبه ما را بر مشکلات و امر سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و ایجاد آلترناتیو حاکمیت شورایی کارگران زحمتکشان فراهم می‌کند. رهایی طبقه کارگر رهایی جامعه است، اما طبقه کارگر در بستر اجتماعی و در هماهنگی با جنبش وسیع توده‌ای است که پیروز می‌شود. فضائی را که با فداکاری بی‌ظنیر توده‌ها به وجود آمده باید غنیمت شمرد و با فراخوان عملی رو به عموم توده‌ها به امر سازمان‌دهی پرداخت. شاید توده‌ها بتوانند در همبستگی باهم بر رژیم غلبه کنند، اما تا زمانی که طبقه کارگر و توده‌ها در تشکل‌های سیاسی مربوط به خود، سازمان‌دهی نشوند، گام نهادن در مسیر جامعه نو و سوسیالیسم که بهروزی و سعادت توده و زحمتکشان را ضمانت می‌کند، پیروزی غیرممکن است. ما سازمان‌دهی کارگری و سازمان‌دهی سیاسی طبقاتی توده‌های اجتماعی را امر مشخص خودمان و کلیه سازمان‌های سیاسی و کارگری می‌دانیم. در پنجاه و دومین سالگرد حماسه سیاهکل و حیات سیاسی مبارزاتی سازمانی که در سیاهکل متولد شد، موفقیت سازمان فدائیان (اقلیت) را در کارزار مشترک سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و برپائی حاکمیت شورایی کارگران زحمتکشان و عموم توده‌ها آرزو داریم.

رفقا

بخش اعظم طبقه کارگر و توده‌های اجتماعی فاقد تشکل‌های سیاسی خود هستند، دانش آموزان، دانشجویان، زنان، جوانان، محلات و اقشار دیگری، مانند سربازان، فرهنگیان، بازنشستگان، پزشکان و پرستاران همه باید در تشکل‌های خود، سازمان‌دهی شوند. تشکل حکم خانه و سنگر برای آنان دارد. توده‌ها در تشکل‌های سیاسی خود می‌توانند حیات و زندگی مبارزاتی خود را اثبات کنند. فرصت پیش‌آمده تنها با دخالت گری در امر تشکل‌یابی توده‌ها است که مفید به حال جنبش انقلابی می‌شود. با حمایت عملی و پوشش دادن تشکیلاتی توده‌ها، فعالین، عناصر منفرد در جامعه، در محیط کار و آموزش، نطفه هسته‌های فعال کارگری و اجتماعی بسته می‌شود. ما می‌توانیم از یک و دو وعده شام و نهار و فرصت‌های شخصی بگذریم، اما برای گرفتن یک ارتباط نباید غفلت کنیم. سازمان‌دهی از نان شب واجب تر است. سازمان‌دهی کنیم.

ما فعالان کارگری جنوب، پنجاه و دومین سالگرد سازمان شمارا به رهبری، کادرها و کلیه اعضا و هواداران و دوستداران سازمان و به کارگران زحمتکشان تبریک می‌گوییم و آرزوی پیروزی در کار و بیکار برایتان داریم.

تا بود باد سرمایه‌داری

زنده‌باد انقلاب! زنده‌باد سوسیالیسم!

کار، نان، آزادی- حکومت شورایی

فعالان کارگری جنوب

۱۷ بهمن‌ماه ۱۴۰۱

کمک های مالی

سوئیس

۳۰ فرانک	علی‌اکبر صفایی فراهانی
۴۰ فرانک	سیامک اسدیان (اسکندر)
۳۰ فرانک	حمید اشرف
۵۰ فرانک	محمد کاسه‌چی
۵۰ فرانک	امیر نبوی

دانمارک

۲۰۰ کرون	هوشنگ احمدی
۲۰۰ کرون	دکتر نیمیسا
۲۰۰ کرون	خروش (فوریه)
۱۰۰۰ کرون	به یاد رفیق کبیرمان حمید اشرف

ایران

۱ میلیون تومان	آبان ادامه دارد
----------------	-----------------

آمریکا

۲۰ یورو	مهسا پویان توکل
۲۵ دلار	حکومت شورایی مهسا
۵۰ دلار	از سیاهکل تا حکومت شورایی
۱۰۰ دلار	رفیق توکل حکومت شورایی
۱۵۰۰ دلار	به مناسبت ۱۹ بهمن

آلمان

۱۰۰ یورو	جمهوری - اعدام
----------	----------------

ایتالیا

۳۰۰ یورو	فدا
----------	-----



کار- نان- آزادی
حکومت شورایی

گرامی باد یاد حماسه‌سازان سیاهکل بنیان‌گذاران سازمان

هر ماهی از سال را طبق تقویم سالانه سی روز برآورد کرده‌اند، اما بهمن‌ماه ماهی سی‌روزه نیست و نخواهد بود. در تاریخ مبارزات انقلابی میهن ما، این ماه در سال ۴۹ آغاز شده است و برخلاف معمول هنوز ادامه دارد، چراکه، این ماه خونین خود آغاز شکل و شیوه دیگری از مبارزه را در جامعه ما بنمایش گذاشته است.

آری ۱۹ بهمن در سال ۴۹ فرزندان عصیانگر و انقلابی خلق ایران بعد از سال‌ها بی‌عملی و بی‌کفایتی حزب خائن توده، پا به عرصه مبارزه نهادند. مبارزه‌های خونین و دشوار در آن شرایط که سلطه جهنمی ساواک راه بر هرگونه مبارزه‌ای سد کرده بود و مدعیان دروغین تنها به نقی کردن پرداخته و بدین‌سان شانه از زیر بار مسئولیت تاریخی اجتماعی خویش خالی کرده بودند. هنگامی‌که غرش مسلسل‌های فدائیان سینه سرد و سیاه جنگل را شکافت، بسیاری از چشم‌ها مات و حیران و ناتوان از درک این واقعه به نشخوار پاره‌های پراختند که تنها بی‌عملی‌شان رامی خواستند لاپوشانی کنند، غافل از آنکه بعد از واقعه سیاهکل، جامعه به لرزش و تکان واداشته شد. جامعه‌ای که تا قبل از حماسه سیاهکل سردر گریبان و خاموش بود ویر آسمانش امید‌پیدایی هیچ ستاره‌ای نبود بیکباره خرمی از ستاره‌های سرخ آتشین بر کرانه‌هایش دویده شد، ستاره‌هایی که کهکشانی از نور، عشق، صداقت و مبارزه را به نگاه‌های خاموش سرد هدیه دادند.

آری ۱۹ بهمن ۴۹ روندی از مبارزه آغاز شد که نه رژیم پهلوی تاب تحمل آن را داشت و نه بی‌عملانی که در قاموس افکار و عقایدشان مبارزه، مضحک‌های بیشتر نبود. در روند این مبارزه بسیاری از خائنین به توده‌های کارگر و مبارزه راستین به‌زعم خویش به تخطئه حماسه سیاهکل نشستند و کار بجایی رسید که خائنین که در پشت الفاظ پنهان‌شده بودند برای خوش‌رقصی در مقابل ارباب تازه به قدرت رسیده گفتند و نوشتند که گذشته سازمان چریک‌های فدائی خلق، شیوه مبارزه‌اش اشتباه بود در حالی دارو دسته خائن بذر خیانت خویش را «گشتگر و نگهدار» شدند آن‌هایی که خود اهل مبارزه نبودند می‌خواستند با نادیده گرفتن حماسه سیاهکل خط بطلان بر مبارزه خونین سازمان بکشند. در صورتی‌که توده‌های محروم و همه مبارزان آگاه‌اند که سازمان چریک‌های فدائی خلق گذشته‌ای پرافتخار دارد که باعث سربلندی مبارزه و همه مبارزان خواهد بود. حتی در زمان پهلوی آن‌هایی که توان مبارزه را نداشتند در دل با بهار خواب‌ها ابراز هم‌دردی می‌کردند. گرچه بسیاری از عناصر وامانده از مبارزه، شکست حماسه سیاهکل را نشانه بی‌پایه بودن مبارزه در آن شرایط می‌دانستند، اما نگاهی گذرا و واقع‌بینانه به‌تمامی جنبش‌های انقلابی در سطر سطر تاریخ خون‌بار توده‌ها ثابت نمود که شکست و یا پیروزی یک جنبش با یک واقعه نمی‌تواند حقایق آن را نفی یا ثابت کند. بسیاری از جنبش‌های انقلابی در طول تاریخ مبارزه به شکست انجامیده است، اما بر حقایق آن جنبش‌ها هیچ شک و شبه‌ای نمی‌تواند وجود داشته باشد و خیلی از جنبش‌های ارتجاعی واپس‌گرا هم بودند که به‌اصطلاح به پیروزی رسیده‌اند اما پیروزی‌شان همیشه از طرف توده‌های انقلابی زیر سؤال رفته است. آن‌هایی که علیه مشی گذشته سازمان به‌خصوص حماسه سیاهکل قلم‌فرسایی کرده‌اند، نیت و قصد اصلی‌شان زیر سؤال بردن اصل مبارزه بوده است تا بدین طریق بی‌عملی خویش را توجیه و پنهان نمایند. اینان از درک این حقیقت تاریخی عاجز و ناتوان‌اند که هر شیوه و تاکتیک از مبارزه را باید در ظرف زمانی و مکانی خویش بررسی نمود. شرایط مبارزه در آن سال‌های سیاه و دیکتاتوری ایجاب می‌نمود که گروهی از جوانان انقلابی بتوانند جواب مشخص و مناسب آن شرایط را با فدا کردن خویش بدهند و آن‌هایی که علیه خط مشی سازمان در آن شرایط موضع‌گیری کردند، خود از درک خصلت تکاملی بودن مبارزه عاجز و ناتوان بوده‌اند. مبارزه مسلحانه، توده‌ای نشد، گرچه خود بنیان‌گذاران مبارزه مسلحانه هم این ادعا را نداشتند اما به این حقیقت تلخ رسیده بودند که تنها راه مبارزه شکل مسلحانه آن بوده است. اما ثمرات مبارزه چریکی (حماسه سیاهکل) را اگر بخواهیم به‌صورت واقع‌بینانه در نظر آوریم می‌بینیم که در سیاهکل دو مطلق رفیق پویان در هم‌شکسته می‌شود و سراسر عرصه‌های جامعه به تکاپو واداشته می‌شوند. در این کنکاش و تکاپو بزرگ‌ترین سازمان انقلابی کمونیستی شکل می‌گیرد که خود در روند تکاملی مبارزه می‌رود تا برای همیشه جامعه مبتنی بر استثمار را پایان دهد. آن‌هایی که در زمان وقوع حماسه سیاهکل و تولد سازمان چریک‌های فدائی خلق روندی غیر از شیوه مبارزه مسلحانه را در پیش گرفته بودند به کجا رسیدند و ثمره و نمود عینی مبارزه‌شان در کجای تاریخ به درد توده‌های محروم خورده است. رفقای سیاهکل مناسب‌ترین جواب را به شرایط آن روز تاریخ مبارزات توده‌ای دادند و همیشه تاریخ به نیکی از آنان یاد می‌کند.

آنانی که در پستوهای گندیده تاریخ (شرایط مناسب) مانده بودند شرمگینان اصلی تاریخ خواهند بود. ژاژخانی این‌ها هرگز به‌جایی نرسید و اکنون هم در شرایط متلاطم مبارزه طبقاتی اولین دسته‌هایی که توسط امواج دریای توفانی مبارزه طبقاتی به ساحل‌های گندیده پرتاب خواهند شد همین‌هایی هستند که به مبارزات تاریخی راستین ریشخند زدند. در واقع این‌ها بودند که مورد ریشخند تاریخ قرار گرفتند و دیدیم که در فردای قیام توده‌ها در سال ۵۷ بسیاری از این صورتک‌ها زیر عبا‌های فرسوده و کهنه قرار گرفتند و امروز همان‌ها با صورتک‌هایی به رنگ دیگر اما از همان قماش باز هم می‌خواهند که مسبب ریش خند تاریخ باشند. مبارزه، یک رنگ بیشتر ندارد و آن سرخ و طبقاتی است و تاریخ سازمان فدائیان اقلیت بعد از حماسه سیاهکل تاکنون همان رنگ را داشته است. واماندگان دنیای مبارزه، بیشتر از این نای آمدن را ندارند. آنچه مهم است راه و یاد تمامی جان‌باختگانی است که در عرصه مبارزه آمده و رفته‌اند و آیندگان به نیکی از آنان یاد خواهند کرد. از حماسه سیاهکل تاکنون آنچه از جانب توده‌های کارگر و زحمتکش مورد تقدیر قرار گرفته است، مبارزه سرخ و خونین است. اعدام‌ها، ترور شدن‌ها، شکنجه‌ها، محرومیت‌ها هزینه برآمدن انقلاب است. در هیچ کجای دنیا و تاریخ، انقلاب را بدون هزینه، بدون کشتار، بدون شکنجه و تیرباران، بدون محرومیت به توده‌های محروم و ستم‌دیده تقدیم نکرده‌اند. آن‌هایی که فکرمی‌کنند از این طریق به نتیجه می‌رسند، جرئت نگاه کردن به تاریخ را ندارند و حماسه‌سازان سیاهکل سرافراز و سربلند به تاریخ نگاه کردند و خود تاریخ را شروع به ساختن کردند، به‌گونه‌ای که در همین روزهای اخیر قطره‌های سرخ خون یاران انقلابی که در خیابان ریخته می‌شود، تداعی‌گر تیرباران رفقای سازمان ما در حکومت سیاه و شب‌پرست به گور سپرده پهلوی است.

زنده‌باد انقلاب - زنده‌باد سوسیالیسم
 زنده‌باد اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه همگانی
 هسته کارگری حمید اشرف
 فعالان کارگری جنوب
 ۱۴۰۱/۱۱/۱۵
 کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

راهزنان حاکم دستبرد بزرگ دیگری را سازمان داده‌اند

تعطیل شده که بیکارسازی گستره کارگران را در پی داشته است. غارت و دزدی و چپاول و زدویند مقامات دولتی در جریان خصوصی‌سازی‌ها در طی این سال‌ها بر همگان آشکار شده است. در تمام این سال‌ها ماجرای خصوصی‌سازی از مرحله ارزش گذاری تا نحوه واگذاری و شرایط خریدار و نحوه پرداخت و غیره، همه‌جا رد پای این زدویندها و دزدی‌ها آشکار بوده است و بر طبق اسناد، اغلب این صنایع و دارایی‌ها بسیار پائین تر از قیمت واقعی و در برخی موارد حتی به بهای یک‌دهم تا یک‌بیستم قیمت واقعی به صورت اقساط به خریدار واگذار شده‌اند. برخی از این خریداران بدهی خود را نیز نپرداخته‌اند. اقتضاحاتی که در این زمینه به بار آمده یکی دوتا نیست. رو شدن پرونده خصوصی‌سازی برخی واحدها از نمونه مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، چنان رسوایی بزرگی را در پی داشته است که حتی برخی مقامات و نشریات دولتی نیز از کاربرد عبارت خصوصی‌سازی نیز پرهیز کرده‌اند. پرونده خصوصی‌سازی که زمانی "خصولتی سازی" نام گرفت چنان رسوا و مفتضح شده که غارت و چپاول دسترنج کارگران، می‌بایستی تحت عنوان دیگری سازمان‌دهی شود و چنین است که "مولدسازی" ابداع و جایگزین خصوصی‌سازی می‌شود.

"مولدسازی" چیزی جز خصوصی‌سازی نیست گرچه در شکل و ابعاد جدیدی که با گذشته قابل‌مقایسه نیست. "مولدسازی" که پس از تصویب در "شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا" به تصویب رسید و ۲۱ آبان سال جاری به تأیید خامنه‌ای رسید، بیش از دو ماه محرمانه ماند. پس از آن نیز خیرگزاری‌ها و رسانه‌های حکومتی اگرچه در ابتدا خیلی گذرا و به شکل فرعی و کناری این موضوع را عنوان کرده و با اکراه از آن سخن گفتند، اما سرانجام "مصوبه عجیب و محرمانه" "مولدسازی" به مطبوعات کشیده شد و به‌زودی مشخص شد که توطئه بزرگ دیگری در کار است و راهزنان حاکم، در رأس آن راهزن بزرگ علی خامنه‌ای در واپسین ماه‌های حیات خود درصدد دستبرد بزرگی برآمده‌اند. اگرچه راهزنی و دستبرد به جیب مردم از خصوصیات اصلی و بارز رژیم حاکم است، اما در این غارت و چپاول قرار است چوب حراج به تمایز اموال عمومی زده و جیب مردم تا ریال آخر خالی شود.

اکنون مشخص شده است که به دستور خامنه‌ای "شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا" طرحی را تحت عنوان "مولدسازی دارائی‌های دولت" به تصویب رسانده است. بر اساس این مصوبه یک هیئت ۷ نفره به ریاست محمد مخبر، معاون اول رئیس‌جمهور، احسان خان دوزی وزیر اقتصاد،

احمد وحیدی وزیر کشور، مهرداد بذریاش وزیر راه، مسعود میر کاظمی رئیس سازمان بودجه و برنامه، یک نماینده از طرف رئیس مجلس و یک نماینده از طرف رئیس قوه قضاییه تعیین شده است. بر اساس این مصوبه، شناسایی، تشخیص مازاد بودن، روش ارزش‌گذاری و تعیین شیوه واگذاری این اموال از جمله اختیارات این هیئت است. این هیئت در عین حال از مصونیت قضایی برخوردار است و هیچ نهادی امکان و اجازه نظارت و پیگرد قضایی را ندارد. در این مصوبه تأکید شده است هر فرد در هر دستگاهی که با تصمیمات این هیئت مخالفت کند به ۵ سال انفصال از خدمات دچار می‌شود.

مصوبه راهزنانه دزدان حاکم چنان رسواست که انتقاد حتی برخی نمایندگان مجلس ارتجاع را نیز در پی داشته و آتش آن قدر شور است که حسین راغفر کارشناس اقتصادی حکومتی نیز که تجربه "خصوصی‌سازی" را "انتقال اموال عمومی به دوستان و رفقا" می‌داند که در نهایت این دارایی‌ها را نیز از کشور خارج کرده‌اند، "مصوبه عجیب" شورای عالی سران قوا یا همان "مولدسازی" را به معنای ورشکستگی سیاست‌های اقتصادی پس از جنگ و "مایه فساد" می‌داند و چنین اعتراف می‌کند که "عده‌ای می‌خواهند تخلفات و خلاف‌های بزرگ را پوشش قانونی دهند".

بحث‌هایی که حول این شاهکار جدید ولی‌فقیه و علی‌رغم میل دار و دسته وی در رسانه‌ها راه افتاده و استدلال‌هایی که حامیان وی در ضرورت اجرای این مصوبه بر زبان رانده‌اند، تماماً حاکی از آن است که طبقه حاکم و رژیم سیاسی آن مصمم‌اند پیش از آنکه تکلیف رژیمشان توسط توده‌های مردم ناراضی که برای به زیر کشیدن آن به پا خاسته‌اند، یکسره شود، تمام آنچه را که از اموال عمومی هنوز در اختیار دولت هست، تا سنار آخر به سرمایه‌داران بخش خصوصی واگذار کنند و به اتفاق بالا بکشند. احسان خان دوزی وزیر اقتصاد در پاسخ به برخی انتقادات و ایرادات مصوبه مولدسازی، ضمن اشاره به اینکه ایرادات فنی و تخصصی مصوبه اصلاح خواهد شد، اما با عنوان کردن فضا سازی در شبکه‌های مجازی علیه این مصوبه، اعلام کرد در این مسیر "هیچ عقب‌نشینی صورت نخواهد گرفت". وی درباره ابهامات مصوبه و مصونیت اعضای هیئت واگذارکننده، وعده داد قبل از ۲۲ بهمن سامانه‌هایی راه‌اندازی شود تا کارشناسان بتوانند نظرات خود را عنوان کنند. او اما در عین حال بار دیگر تأکید نمود که "حتماً باید پای این پیمان بایستیم و واگذاری‌ها نباید قابل‌برگشت باشد" اعباسعلی کنجدایی عضو حقوقدان شورای نگهبان نیز در پاسخ به کسانی که به طرح ایرادات قانونی پیرامون

مصوبه "مولدسازی" پرداخته‌اند گفت "مصوبه مولدسازی از جهت مبنای قانونی فاقد ایراد است".

دار و دسته خامنه‌ای و کل دولت جمهوری اسلامی تمام آنچه را که در طی این سال‌ها از ۱۳۷۰ تاکنون واگذار شده و هر سال بر میزان آن افزوده شده ناکافی می‌دانند. خامنه‌ای روز دوشنبه ۱۰ بهمن در دیدار با گروهی از سرمایه‌داران که مشتاقانه آماده شده‌اند بخش‌های بیشتری از ثروت‌های اجتماعی و اموال عمومی را ببینند، بار دیگر از "توسعه بخش خصوصی" حمایت کرد. خامنه‌ای که سال ۸۵ اجرای بند ج اصل ۴۴ قانون اساسی را اعلام و دولت را موظف نمود ۸۰ درصد سهام بخش‌های دولتی را به بخش خصوصی واگذار کند، اکنون اظهار ناراضی می‌کند که حجم واگذاری‌ها کافی نبوده است. وی در سخنان خود با اشاره به همین موضوع و انتقاد از اینکه این سیاست درست عمل نشده است به مخالفان و منتقدان داخلی رژیم نیز حمله نمود و بار دیگر تأکید کرد که "سیاست اصل ۴۴ باید عملی شود". خامنه‌ای برای آنکه راه این غارت بزرگ را هموار نموده و گفته باشد هیچ مانع و رادعی برای این راهزنی و دستبرد بزرگ وجود ندارد، حتی زبان به انتقاد از سیاست‌های اقتصادی سال‌های اولیه حاکمیت جمهوری اسلامی گشود. وی بی‌توجهی به بخش خصوصی در سال‌های اولیه روی کار آمدن جمهوری اسلامی را خطای بزرگی دانست و برای جبران این خطای بزرگ یکراه حل اورژانسی ارائه داد. راه حل اورژانسی در واقع سازمان‌دهی یک دستبرد بزرگ دیگر به اموال عمومی و جیب مردم است.

اما چه کسی و چگونه مصوبه دستبرد بزرگ را اجرا خواهد کرد؟ به گفته حسین باقر زاده رئیس سازمان خصوصی‌سازی، مسئولیت دبیرخانه هیئت عالی مولدسازی دارایی‌های دولت و نیز اجرای عملیات مولدسازی بر عهده وزیر اقتصاد است. وزیر اقتصاد نیز این وظیفه را به سازمان خصوصی‌سازی تفویض نموده است. بنابراین همان‌ها که کار و وظیفه اصلی خصوصی‌سازی را بر عهده داشتند، اجرای مصوبه "مولدسازی" را نیز بر عهده دارند. تفاوت فقط در این است که مجریان این مصوبه این بار از اختیاراتی نامحدود و مصونیت قضایی نیز برخوردارند. اینکه این اموال و دارایی‌ها چگونه شناسایی و مازاد تشخیص داده شود، اینکه چگونه ارزش‌گذاری شود، اینکه چه بخش‌هایی و به چه کسانی و تحت چه شرایطی و به چه شکلی واگذار شود، همه در اختیار هیئت ۷ نفره است که پیش از این اسامی آن‌ها ذکر شد. تصمیمات این هیئت بدون چون و چرا باید اجرا شوند و هیچ‌کس و هیچ نهادی حق اعتراض در مورد تصمیمات و اقدامات این هیئت ندارد. در دوره خصوصی‌سازی‌ها که هنوز این اختیارات بی‌انتهای به چند نفر داده نشده بود و در مورد اقدامات مسئولان مربوطه می‌شد چون و چرا کرد، دیدیم

راهزنان حاکم دستبرد بزرگ دیگری را سازمان داده‌اند

که چه فجایعی به بار آمد و چه دزدی‌ها و زد و بندهای بزرگی رخ داد. اکنون که امکان هرگونه پرسش و چون‌وچرا منع و برایش مجازات در نظر گرفته شده است، می‌توان مجسم کرد که دامنه دزدی‌ها و غارت و فساد که برایش برنامه‌ریزی شده تا چه میزان زیادی گسترده خواهد بود. از هم‌اکنون مشخص شده است که دار و دسته خامنه‌ای علاقه ویژه‌ای به تصاحب تأسیسات و پالایشگاه‌ها و شرکت‌های نفت و گاز دارند. بسیاری از صنایع و دارایی‌ها و اموال عمومی که در جریان خصوصی‌سازی با انواع بندوبست در بالاترین رده‌های حکومتی به نزدیکان و افراد بانفوذ حاکمیت واگذار شده‌اند که در این میان بخش قابل‌توجهی از آن را "ستاد اجرایی فرمان امام" که زیر نظر مستقیم شخص خامنه‌ای است تصاحب نموده است. مولدسازان حریص هم‌اکنون تصاحب هرچه بیشتر صنایع نفت و گاز را هدف مقدم خود قرار داده و در نخستین اقدام خود مصمم‌اند شرکت‌های پالایش گاز پارسین و فجر را به "بنیاد برکت" واگذار کنند که یک بنیاد مالی و زیرمجموعه "ستاد اجرایی فرمان امام" است.

این واقعیت برکسی پوشیده نیست که اجرای سیاست اقتصادی نو لیبرال، بیش از ۳۰ سال ستون اصلی سیاست‌های اقتصادی رژیم بوده است. خصوصی‌سازی که یکی از ملزومات و نتایج اقتصاد نو لیبرال است از دوره رفسنجانی با شعار توسعه و سازندگی آغاز شد و تا لحظه کنونی با شعارهای مشابهی ادامه یافته است. خصوصی‌سازی باهدف "کوچک‌سازی" دولت و کاهش وظایف و تعهدات آن که اکنون علاوه بر صنایع و کارخانه‌ها و کشت و صنعت‌ها، تا بهداشت و درمان و آموزش و امثال آن نیز تعمیم‌یافته است، فجایع بی‌شماری به بار آورده و ماهیت ارتجاعی نظام طبقاتی سرمایه‌داری را واضح‌تر از همیشه برملا ساخته است. استثمار و ستم اکنون حدمرزی نمی‌شناسد. انباشت فقر و نداری در یکسو، و رفاه و ثروت در سوی دیگر. تضاد میان فقر و ثروت مدام تشدید شده است. میلیون‌ها کارگر و زحمتکش و توده‌های تهیدست و محروم حتی نمی‌توانند شکم خود را سیر کنند و معدود سرمایه‌داران و مفت‌خورهایی که در پرتو حمایت‌ها و سیاست‌های جمهوری اسلامی از همه‌گونه رفاه و آسایش برخوردارند و هرروز پروارتر شده‌اند و از پرخوری درحال ترکیدن و منفجرشدن‌اند. رژیم جمهوری اسلامی در روزهای پایانی عمر ننگین خود، جامعه قطبی شده را قطبی‌تر نموده و با حراج بی‌قیدوشرط باقیمانده اموال عمومی و دستبندی بزرگ به جیب مردم، تضادهای ستیزنده موجود را به مرحله انفجاری بزرگ نزدیک‌تر ساخته است. کارگران آگاه و توده‌های زحمتکش مردم ایران اکنون به‌درستی به این نتیجه رسیده‌اند که برای نجات از فقر و ستم و استثمار، راه دیگری جز تشدید مبارزه علیه رژیم، براندازی تمام‌نظم موجود و استقرار یک حکومت شورایی وجود ندارد.



قلب یک کمونیست دیگر از طیش افتاد!

اطلاعیه شورا همکاری نیروهای چپ و کمونیست در باره مرگ عیسی جمشیدی

با اندوه فراوان مطلع شدیم که رفیق عیسی جمشیدی یار دیرینه کارگران و مردم زحمتکش جنوب کردستان از رهبران و فرماندهان با سابقه حزب کمونیست ایران و کومله روز شنبه ۴ ژانویه ما را تنها گذاشت.

عیسی جمشیدی انسانی خوشنام و لایق مردم زحمتکش بود که بخش اعظم زندگی پربار خود را وقف مبارزه برای حصول اهداف انقلابی و رهایی جامعه از نکبت سرمایه داری و مقابله با ظلم و ستم و رژیم جنایتکار اسلامی کرد. زندگی سیاسی رفیق عیسی مملو است از فداکاری و جسارت و کاردانی و این خصوصیات رفیق عیسی را به فرماندهی مورد اعتماد نزد رفقایش مبدل کرده بود. یقیناً یاد فداکاریهای رفیق عیسی در دل مردم زحمتکش منطقه باقی خواهد ماند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست مرگ رفیق عیسی جمشیدی را به خانواده و بستگان و رفقای حزب کمونیست ایران و کومله تسلیت می‌گوید.

یاد عزیزش گرامی و راهش پررهرو باد
شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
۴ فوریه ۲۰۲۳

سرنگون باد رژیم
جمهوری اسلامی
برقرار باد
حکومت شورائی

هواداران سازمان فدائیان - اقلیت

راهزنان حاکم دستبرد بزرگ دیگری را سازمان داده‌اند

۱۴۰۲ را ۲۰۰ هزار میلیارد تومان اعلام کرده است موضوع پوشیده‌ای نیست. مقامات حکومتی چه در کابینه چه مجلس مدام از کسری بودجه و تأمین آن از محل واگذاری و فروش دارایی‌ها و اموال دولتی سخن گفته و بر ادامه و تشدید سیاست خصوصی‌سازی تأکید نموده‌اند. سیاست خصوصی‌سازی که اساساً حراج و غارت اموال و دارایی‌های عمومی است و از دوره رفسنجانی به اجرا درآمده، فجایع بی‌شماری به بار آورده است. این سیاست بعد از رفسنجانی با جدیت و پیگیری بیشتری اجرا شده و هر رئیس‌جمهوری که بر سرکار آمده، میزان بیشتر و سهام بیشتری از کارخانه‌ها، صنایع و دارائی‌های دولتی را به بخش خصوصی و عمدتاً اعضا و نزدیکان دستگاه حکومتی واگذار نموده

است. یکی از افتخارات رؤسای جمهور به‌عنوان رئیس قوه مجریه این بوده که در دوره ریاست جمهوری خود، میزان بیشتری از ثروت‌ها و اموال عمومی را نسبت به دوره قبل از خود به بخش خصوصی واگذار نموده است. سازمان خصوصی‌سازی، سالانه آمار و ارقام رسمی میزان واگذاری‌ها از سال ۷۰ به بعد را اعلام نموده است. بر پایه همین آمار و ارقام، میزان واگذاری‌ها و ارزش سهام واگذار شده طی سه دهه اخیر پیوسته افزایش یافته است. هم‌زمان با تصاحب اموال و دارایی‌های دولتی و ثروتمند شدن قشر معینی از مدیران و سرمایه‌داران که در جریان این واگذاری‌ها بر اموال مردم چنگ انداخته‌اند، صدها و هزارها مؤسسه و کارخانه در صفا ۱۰

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 1007 February 2023



تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم بیکار می کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین‌وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دمکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دمکراسی شورایی به همراه تلویزیون‌های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره‌ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به‌وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به‌وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند. مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲

مشخصات جدید تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: tvshorashora@gmail.com

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی